

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

پیشرفت تربیت محور

علی ذوعلم^{*۱}

۱- استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم، قم، ایران.

چکیده

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در کنار تبیین نقشه راه جامعی که بتواند جهت‌دهنده و هماهنگ‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌های کشور در مسیر پیشرفت همه‌جانبه باشد، باید راهبرد اساسی حاکم بر فرایند پیشرفت را نیز مشخص سازد. یکی از وجوه اسلامی بودن الگو، توجه به دیدگاه اسلام در مورد راهبرد اساسی پیشرفت و چگونگی حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است. بررسی مؤلفه‌های پیشرفت از منظر اسلام حداقل دو نکته اساسی و مرتبط به هم را نشان می‌دهد. یکی اینکه مؤلفه‌های معنوی پیشرفت نسبت به مؤلفه‌های مادی آن، تقدم رتبی و ذاتی دارند و این در حالی است که در عرصه تحقق، ممکن است برخی از سطوح مؤلفه‌های مادی در برنامه‌ریزی‌های کلان از تقدم زمانی برخوردار باشند. نکته دوم اینکه راهبرد اساسی برای رسیدن به پیشرفت، راهبرد تربیتی و فرهنگی است. بنابراین هم‌سوسازی برنامه‌های کلان تربیتی و فرهنگی برای تعمیق باورها و رفتارهای هم‌سو با مؤلفه‌های معنوی پیشرفت که به گونه‌ای طبیعی موجب تقویت خاستگاه مؤلفه‌های مادی می‌گردد، از ضرورت

های پیشرفت است و نباید این امر لزوماً به بعد از تدوین کامل الگو موکول شود. از هم‌اکنون باید دستگاه‌ها و نهادهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی طرح‌ها و برنامه‌های کلان خود را هم‌سوی با تربیت همه‌جانبه فردی و اجتماعی برای تسریع و تسهیل فرایند پیشرفت بازتعریف و متحول سازند.

کلید واژه ها: الگو، پیشرفت، مؤلفه‌های معنوی، تربیت.



درآمد و طرح مسئله:

پیشرفت یک جامعه، مقوله‌ای است حقیقی و عینی که طراحی الگوی مناسب، به عنوان مقدمه علمی و نظری آن اهمیت می‌یابد. طراحی «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مقدمه ضروری برای تعمیق و استواری برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات کلان و خردی است که برای پیشرفت جامعه انجام می‌پذیرد، اما هدف اصلی این طراحی، تحقق خود «پیشرفت» است. این الگو، یعنی یک نقشه جامع، که علاوه بر ترسیم جهت‌گیری و تعیین وضع مطلوب، باید چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب را نیز بیان کند.^۱

راهبرد اصلی حرکت از «وضع موجود» به «وضع مطلوب»، پرسشی است اساسی که درباره آن باید اندیشید.^۲ راهبردهای متصور برای این حرکت را می‌توان در دو گونه راهبرد برشمرد: گونه نخست، راهبرد قانون‌محور و حاکمیتی است که الگوی پیشرفت را به مثابه یک طرح و برنامه در دستور کار حاکمیت قرار می‌دهد و با تصویب قوانین و مقررات و تعیین وظایف مردم و دولت و اقشار و اصناف و نهادهای مختلف، این الگو را عملیاتی می‌کند. البته این گونه، طیف وسیعی از روش‌ها و رویکردها را در برمی‌گیرد. در گونه نخست، ممکن

۱- مقام معظم رهبری، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۱۰/۹.

۲- ر.ک: آکوچکیان، عبدالحمید، بازخوانی عقلانیت معطوف به پیشرفت، در: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیام عدالت، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱.

است پیشرفت، به عنوان مقوله دولتی و حاکمیتی صرف تلقی شود و هیچ مشارکتی توسط مردم وجود نداشته باشد^۱ و نیز ممکن است نهادهای مردمی و تشکل‌های مردم‌نهاد نیز نقش اساسی در تدوین طرح و برنامه پیشرفت داشته باشند و مشارکت حداکثری آنان نیز تأمین شود، ولی به هر حال همه این نقش‌ها و مسئولیت‌ها بر اساس «قانون» و «برنامه» تعیین می‌گردد. در این راهبرد، اساس تحقق پیشرفت بر مبنای یک طرح و برنامه معین و مصوب است که اگر هم نخبگان و مراکز پژوهشی و علمی در طراحی آن حضور جدی داشته باشند، باز هم همه به دنبال تعیین «برنامه» و «قانون» و ابلاغ و اجرای آن می‌باشند.

گونه دوم، راهبرد فرهنگی و تربیت‌مدار است که اندیشمندان و نخبگان جامعه، محورها و سرمشق‌های اصلی مؤثر در پیشرفت را با تأملات و بر مبنای بنیان‌های فلسفی و نظری مورد قبول، تحلیل و تبیین می‌کنند و تلاش می‌نمایند که بتوانند کلیت جامعه را به سوی پیروی از آن سرمشق‌ها حرکت دهند. در این راهبرد از اهرم قانون و طرح و برنامه هم استفاده می‌شود، ولی «موتور» اصلی حرکت جامعه به سوی پیشرفت، با تدابیر و تلاش‌های فرهنگی و تربیتی و با تکیه بر باورها و رفتارهای جامعه «روشن» می‌شود.

راهبردی که در توسعه غرب بر اساس بنیان‌های نظری اومانیزم و سکولاریسم شکل گرفت، از همین گونه دوم بود. در غرب با طرح اومانیزم و

۱- توسعه و ترقی‌ای که پس از استقرار سلطنت پهلوی ادعا می‌شد، با همین رویکرد بود. توسعه‌ای که با نسخه بیگانگان و تکیه بر سرنیزه و به حکم رضا شاه آغاز شد و در سطح طرح‌های ظاهر فریب متوقف ماند. رک: سید حسین فلاح‌زاده، رضاخان و توسعه ایران.

محور قراردادن نیازهای طبیعی و کشش‌های غریزی جامعه و تعریف انسان در حد یک حیوان اقتصادی، سودجو، لذت‌طلب و قدرت‌طلب، در حقیقت غرایز حیوانی آحاد جامعه و فعالان امر توسعه، به موتور حرکت جامعه تبدیل شد. لذا مصرف، رقابت، لذت، ثروت، نوگرایی، سرعت، رفاه، آزادی (به معنای رهایی از قید و بندهای اخلاقی)، سودجویی، ارزش‌های اساسی توسعه غرب و توسعه غربی شد. موتور توسعه غربی، خودخواهی غریزی و طبیعی انسان و رقابت بر سرکسب بیشترین سود اقتصادی و قدرت سیاسی و نظامی و تأمین بالاترین سطح رفاه و لذت برای جوامع غربی به بهای استعمار و استثمار سایر جوامع - که آن‌ها را جهان سوم نامیدند - بوده است. تبیین مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی‌ای که بتواند این فضای فرهنگی و نگرشی را توجیه کند و رفتارهای اجتماعی و فردی را بر این اساس جهت دهد، اساس توسعه غربی را شکل داد. ^۱ بر همین اساس، اخلاق و آموزه‌های اخلاق دینی، مانع توسعه قلمداد شد. قناعت، توکل، رضا، زهد، سخاوت، ایثار، ... به عنوان عوامل مزاحم و بازدارنده جامعه از توسعه مورد نقد قرار گرفت و در برابر، بعضی را بر آن داشت که اعتبار این ارزش‌ها را با ارزش‌های توسعه غربی توجیه نمایند! البته اخلاق دنیوی، ابزاری و سکولار به عنوان اهرم تنظیم‌کننده رفتارهای آحاد جامعه برای دستیابی به ارزش‌های حیوانی مورد اهتمام قرار گرفت و در

۱- علوم انسانی مدرن نیز بر همین اساس تولید و به عنوان «علم» به خورد بشر داده شد. علم اقتصاد با نگرش حاکمیت سرمایه و اصالت مالکیت شکل گرفت، دانش سیاست براساس قدرت و قواعد رقابت بر سر آن تعریف شد. دانش جامعه‌شناسی و حقوق و... نیز برای تنظیم رفتار انسان غریزه‌محور، شهوت‌طلب، لذت‌جو و زیاده‌خواه بنیان نهاده شد.

قالب اخلاق حرفه‌ای و مهارت‌های زندگی جایگزین اخلاق سعادت‌محور و تعالی‌بخش گردید.

امروز هم غرب همچنان با تکیه بر سیطره فرهنگی و علوم انسانی خود سعی می‌کند موتور توسعه غربی را روشن نگه دارد و همین مبانی را در سایه تربیت و فرهنگ سکولاریستی و با استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌ساز گسترش دهد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کدام یک از این دو گونه راهبرد را در باب چگونگی رسیدن به وضع مطلوب دنبال می‌کند؟ پاسخ به این پرسش را براساس چه مبانی و اصولی باید به دست آورد؟

نسبت اسلامیت الگو و ایرانی بودن آن:

قطعاً الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - به عنوان نقشه راه کلان و بلند مدت حرکت جامعه اسلامی ایران - باید مبتنی بر مبانی، ارزش‌ها و اصول اسلامی باشد تا "اسلامیت" الگو تضمین شود، همان گونه که باید بر اساس ظرفیت‌ها، نیازها و اقتضائات ایران باشد تا ایرانی بودن الگو مصداق یابد، علاوه بر اینکه تولیدکننده و طراح این الگو هم ذهن و فکر و خلاقیت ایرانی است^۱. البته نسبت بین این دو ویژگی، خود مسئله مهمی است. آیا اسلامیت و ایرانی بودن این الگو در کنار هم و هم عرض یکدیگرند؟ یا اینکه یکی از این دو ویژگی بر دیگری حاکم و غالب است؟ و یا اینکه اساساً لازم نیست این دو با هم ارتباطی داشته باشند؟! صورت اخیر را نمی‌توان پذیرفت، چراکه این الگو باید از انسجام و یکپارچگی برخوردار

۱- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای - ۱۳۸۹/۱۰/۹.

باشد تا بتوان آن را «الگو» دانست و لذا دو ویژگی اسلامیت و ایرانی بودن باید در یک مصداق، تجلی و ظهور داشته باشد. ممکن است کسانی فرض نخست را از این جهت درست بدانند که ابعادی از الگو تحت تأثیر مبانی و ارزش‌های اسلام ترسیم می‌گردد و ابعاد دیگری با لحاظ شرایط و اقتضائات ایران، و لذا اسلامی بودن الگو مشروط به رعایت دیدگاه اسلام درباب پیشرفت و مبانی و ارزش‌های آن است و ایرانی بودن الگو منوط به توجه و لحاظ ظرفیت‌ها و نیازهای ایران، و این‌ها دو سنخ ویژگی کاملاً جدای از هم‌اند^۱.

این نظر را نمی‌توان پذیرفت چراکه مبانی و نگرش اسلام به مقوله پیشرفت، زاویه نگاه طراحان الگو را نسبت به ظرفیت‌ها و نیازها نیز تغییر می‌دهد. اساساً اینکه پیشرفت چیست و دارای چه مؤلفه‌ها، عوامل و شاخص‌هایی است و چه رویکردی بر آن باید حاکم باشد، مباحثی است که وابسته به مبانی نظری و نگرشی است. هنگامی که از زاویه نگاه اسلام به پیشرفت نگریسته شود، ترجیحات و اولویت‌ها تغییر می‌کنند و وزن و جایگاه مؤلفه‌ها و واقعیت‌ها براساس زاویه نگاه رقم می‌خورد. نگاه دینی به پیشرفت مقولاتی را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد که با نگاه رایج و عرفی ممکن است اساساً آن مقولات دیده نشود. بنابراین اسلامی بودن الگو آنگاه رعایت شده است که در بررسی و تحلیل امکانات و شرایط و نیازهای جامعه نیز مبانی و ارزش‌های اسلامی لحاظ شده باشد.

۱- ر.ک، محسن الویری، چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن - ارائه در نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه راه طراحی و تدوین الگو، ۱۰-۱۱ خرداد ۱۳۹۱ - تهران.

براین اساس برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیش از هر چیز به "نگاه اسلام به پیشرفت" نیاز داریم. باید ببینیم اسلام به عنوان یک مکتب الهی و جامع، درباره ابعاد و مؤلفه‌ها و عوامل و موانع پیشرفت دارای چه دیدگاهی است. تا وقتی این دیدگاه در قالب یک نظریه به گونه‌ای جامع و منسجم مورد مطالعه و پذیرش قرار نگیرد، تدوین الگو از این پیش‌نیاز محروم خواهد بود.^۱

یکی از نکاتی که در دیدگاه اسلام در باب پیشرفت به گونه‌ای برجسته به چشم می‌خورد - که فاصله دیدگاه اسلام را با دیدگاه‌های رایج نیز نشان می‌دهد - اصالت تربیت و تعالی معنوی انسان در بعد فردی و اجتماعی به عنوان شاخص اساسی پیشرفت است. اگر مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشرفت را به دو دسته اصلی شاخص‌های مادی و شاخص‌های معنوی تقسیم کنیم، قطعاً در اسلام شاخص‌های معنوی دارای ارزش و اصالت ذاتی و غایی است و شاخص‌های مادی، دارای ارزش مقدمی یا آلی و تبعی می‌باشند. این بدین معنی است که پیشرفت مورد نظر اسلام پیشرفتی اخلاق‌بنیان و تربیت‌محور است. پیشرفتی که بتواند انسان را در سطحی فراتر از سقف حیات دنیوی به تعالی جاودان و مستمر برساند و با نگاهی همه‌جانبه و عمیق، حق همه انسان‌ها را در قلمرو تلاش‌های خود برای پیشرفت به رسمیت بشناسد، جز در پرتو اخلاق و تربیت تحقق نخواهد یافت.

۱- البته چون اندیشه و تفکر اسلامی در باب پیشرفت ممکن است توسط صاحب‌نظران و اسلام‌شناسان غیرایرانی نیز ارائه شده باشد، در مورد دستیابی به نظریه اسلامی پیشرفت باید به منابع و دیدگاه‌های معتبر عالمان اسلامی غیرایرانی نیز در صورت وجود مراجعه کرد.

اصالت شاخص‌های مادی و اقتصادی در مقوله پیشرفت، نتیجه‌ای جز استثمار، تبعیض و شکاف‌های عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نخواهد داشت، چراکه جوامعی که به عنوان جوامع پیشرفته، رفاه و امنیت و رشد اقتصادی را بریده از ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌جویند، طبعاً هر نوع اقدام غیرانسانی را برای دستیابی به این اهداف مجاز می‌شمارند^۱. اسلام با اصالت‌دادن به مؤلفه‌ها و شاخص‌های معنوی و تربیتی، پیشرفت همه‌جانبه و پایداری را برای مجموعه جامعه بشری - نه فقط جوامع اسلامی - تجویز و تأمین می‌کند.

بنابراین راهبرد حاکم بر فرایند پیشرفت از منظر اسلام رویکرد تربیتی است، ولی تربیت فطری و متعالی که فراتر از تأمین غرایز حیوانی و طبیعی، گرایش‌های متعالی انسان را در کانون توجه خود قرار می‌دهد و هم در اولویت‌های شاخص‌های پیشرفت و هم در فرایند تحقق پیشرفت جهت‌گیری ویژه‌ای را ایجاد می‌کند. از منظر اسلام از یک سو شاخص‌های معنوی در رأس شاخص‌ها قرار می‌گیرد و بدون آن شاخص‌های مادی ارزش و اعتباری نخواهد داشت و از سوی دیگر، نقطه آغازین فرایند پیشرفت، تربیت جامعه براساس ارزش‌های معنوی و در راستای استقرار و توسعه تلقی صحیح از پیشرفت و انگیزه‌بخشی برای حضور و مشارکت جامعه در تحقق آن ارزش‌ها است.

هیچ پیشرفت حقیقی و عمیقی در جامعه بدون تربیت صحیح جامعه محقق نخواهد شد و لذا اگر چه هنوز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تدوین نشده است

۱- دست‌اندازی کشورهای پیشرفته به کشورهای ضعیف که از قرن ۱۷ آغاز شد و دوران استعمار آشکار کشورهای غربی و جنایات آنان که از قرن ۲۰ میلادی در نقاب حقوق بشر و دعاوی مشابه استمرار یافت، ناشی از همین دیدگاه است.

ولی از هم اکنون برای تأمین زیرساخت‌های لازم برای اجرایی شدن آن باید به مقوله تربیت جامعه و اصلاح و بازسازی و تقویت نهادهای ذیربط در تربیت جامعه، به طور جدی توجه کرد.^۱

عامل اساسی حرکت:

موتور اساسی حرکت‌دهنده جامعه، افراد و آحاد جامعه‌اند. اگرچه جامعه نیز از طریق نقش نهادهای اجتماعی، می‌تواند موجب تسریع یا کندشدن حرکت «فرد» گردد، ولی اثرگذاری و جهت‌گیری نهادهای اجتماعی هم نهایتاً به حرکت افراد مرتبط است و از طریق «اراده» و «عمل» آحاد جامعه تحقق می‌یابد. تحول‌سازان و اصلاح‌گران اجتماعی همواره از «افراد» آغاز می‌کرده‌اند. دست کم باید خود به تحول در اندیشه و عمل می‌رسیده‌اند تا بتوانند کسانی را با خود هم‌رأی و همراه کنند و سپس به دعوت دیگران بپردازند و نقش گسترده‌تری ایفا کنند.^۲ تا هنگامی که آحاد جامعه با حرکتی همراه نباشند آن حرکت نمی‌تواند به توفیق دست یابد. پیشرفت جامعه به عنوان یک فرایند، برآیند حرکت مجموعه افراد و آحاد جامعه و نیز نهادها و مجموعه‌های اجتماعی است، اما در این میان نقش «افراد» و به

۱- بنابراین تنظیم سمت و سوی تلاش‌هایی که در زمینه مهندسی فرهنگی کشور یا تحول آموزش و پرورش و نیز تحول در حوزه‌های علمی و نوسازی نظام آموزشی کشور در جریان است، با سوگیری‌های اساسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک امر ضروری است که تعویق آن موجب از دست دادن فرصت‌ها خواهد بود.

۲- در سیره پیامبر اعظم (ص)، دوران ۱۳ ساله دعوت و تربیت در مکه به تربیت افراد و آماده‌سازی اعتقادی و اخلاقی و تربیتی آحاد مسلمانان اختصاص داشت، پس از مهاجرت به مدینه، دوره ۱۰ ساله مدیریت و ولایت اجتماعی آن حضرت، دوره جامعه سازی و تمدن‌سازی بود که البته در این دوره هم، فردسازی و تعمیق تربیتی همچنان استمرار داشت.

ویژه نخبگان و خواص، نقش اساسی‌ای است: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد / ۱۱)

اگر «عدالت» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت جامعه شمرده می‌شود، اما بدون وجود انسان‌هایی عدالت‌خواه و عدالت‌پذیر چنین مؤلفه‌ای محقق نخواهد شد. ابتدا باید در جامعه کسانی باشند که «عدالت» برای آنان یک مؤلفه اساسی پیشرفت تلقی شود و سپس آنان با خودسازی و اراده قوی به پرهیز از دست اندازی به حقوق دیگران و زیاده‌طلبی رسیده باشند تا دیگران را به عدالت فراخوانند و جامعه‌ای عدالت‌خواه شکل بگیرد، آنگاه «قیام مردم به قسط» محقق گردد. فرایندی که انبیاء الهی برای پیشرفت همه‌جانبه و پایدار دنبال می‌کرده‌اند. آماده‌سازی و تربیت انسان‌هایی بوده است که بتوانند این مسیر را هموار سازند.^۱ عدالت نمی‌تواند تنها با قانون و ضابطه و یا به کمک داغ و درفش تحقق یابد، عدالت پایدار و فراگیر باید در عمل و اراده آحاد جامعه و نهادهای اجتماعی متبلور گردد. تحقق چنین مؤلفه‌ای، به پشتوانه عناصر و مؤلفه‌های تربیتی انسان‌ها نیاز دارد. انسان‌های مؤمن و باورمند به خدای متعال و قیامت و ارزش‌های الهی که ایمان آنان مبتنی بر تفکر و دریافت عمیق درونی باشد و در عمل و رفتار آنان تجلی کرده باشد، کسانی‌اند که می‌توانند پیشتاز جریان عدالت‌خواهی باشند: **وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران / ۱۰۴)** بنابراین بدون تربیت صحیح و عمیق و هم‌سوی با مؤلفه‌های

۱۹۳
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

پیشرفت
الگوی
پیشرفت
اسلامی و
ایرانی

۱- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید/۲۵)

اساسی پیشرفت مطلوب، نمی‌توان چرخه پیشرفت جامعه را به حرکت درآورد. نه تنها عدالت، که استقلال و آزادی و رفاه و سایر مؤلفه‌های پیشرفت در زندگی عینی جامعه، بدون تکیه بر «تربیت» محقق نخواهد شد. به ویژه از منظر اسلام که حیات آدمی، حیات مستمر و پایان‌ناپذیری است و حیات دنیوی به عنوان مرحله ای گذرا ولی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده، نقش اساسی در کیفیت زندگی جاودانه آدمی دارد، محور و مدار پیشرفت بعد معنوی و اخلاقی و ایمانی زندگی انسان است و در تحقق پیشرفت مادی و دنیوی نیز همین محور و مدار، اصل و عامل تعیین‌کننده است. بنابراین برای پیشرفت در مؤلفه‌های زندگی اجتماعی، باید:

- ۱- در تعریف و تبیین مؤلفه‌های پیشرفت به پشتوانه‌های تربیتی و معنوی آن توجه داشت و این مؤلفه‌ها را همراه با آن تکیه‌گاه‌ها و مبتنی بر آن نگریست.
- ۲- برای تحقق پیشرفت و رشد مؤلفه‌های آن، ریشه‌ها و بنیان‌های تربیتی و معنوی جامعه را تقویت کرد و موتور حرکت جامعه به سوی قله‌های تعالی و کمال را در رشديافتگی فکری و معنوی و علمی و اخلاقی آحاد جامعه دانست.

بنابراین «آزادی» اگر بریده از تعقل و تفکر و ایمان، نقض‌کننده مرزهای اخلاقی، برانگیزنده شهوات و هوس‌های آدمی و مانع تلاش و مسئولیت و مجاهدت باشد، مؤلفه پیشرفت تلقی نمی‌شود، و یا «رفاه و توسعه معیشتی» اگر از طریقی غیر از رشد علمی و فناوری بومی و کار و فعالیت حاصل شود و یا عامل غفلت و تباهی و همراه با وابستگی و در یوزگی باشد، مؤلفه پیشرفت نخواهد بود. در مرحله پیاده‌سازی و تحقق مؤلفه‌های پیشرفت، نیز نمی‌توان بدون تربیت نوجوانان و جوانانی که اهل تفکر و خردورزی باشند و با ایمان عمیق به

مبدأ و معاد و ارزش‌های الهی، تلاش و کار و فعالیت را یک ارزش و وظیفه تلقی کنند و در عرصه علم و دانش و معرفت و رفتارهای اخلاقی و ارزشی فعال و خودساخته باشند، هرگز نمی‌توان توفیق یافت بر این اساس این دو مقوله کاملاً به هم گره خورده است: تربیت اثرگذار و عمیق اساسی‌ترین محور و منشأ پیشرفت پایدار و همه‌جانبه است و هیچ پیشرفت حقیقی‌ای بدون تربیت صحیح و عمیق حاصل نخواهد شد.

اگر این حقیقت به خوبی درک شده باشد و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به درستی آن اذعان داشته باشند، لازم نیست صبر کنیم تا پس از سال‌ها به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برسیم و سپس کار را آغاز کنیم! چرا فرصت را از دست بدهیم؟ از هم اکنون باید به پیشرفت تربیتی و معنوی و اخلاقی جامعه بیندیشیم و آنچه را سال‌ها قبل رهبر انقلاب با دغدغه‌مندی مطرح کردند، در عمل دنبال کنیم.

سرمایه‌گذاری فکری، مدیریتی، انسانی و مالی برای بازنگری اساسی در چرخه تربیتی جامعه، نقطه اساسی پیشرفت است. آنچه در برنامه‌درسی ملی کشور به عنوان اهداف کلی تربیتی و آموزشی مطرح شده و در پیش نویس سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور به عنوان ارزش‌های فرهنگی حاکم بر مهندسی فرهنگ بیان گردیده است، هرچه سریع‌تر، عمیق‌تر، گسترده‌تر و مدبرانه‌تر در صحنه تربیتی و آموزشی و فرهنگی کشور حضور و بروز یابد و در تولیدات و تلاش‌های فرهنگی محقق شود، زیرساخت‌های اساسی پیشرفت مطلوب را فراهم تر می‌سازد.

دستیابی به "حیات طیبه" که حاوی و عامل تحقق همه خوبی‌ها و زمینه‌ساز همه برکات مادی و معنوی است، غایت فرهنگی و اجتماعی پیشرفت است و ارزش‌های بنیادین که مؤلفه‌های هسته‌ای و ریشه‌ای حیات طیبه است، عبارت است از: تعقل، ایمان، اخلاق، علم و عمل^۱. اینها پشتوانه مؤلفه‌های پیشرفت در زندگی اجتماعی است و هر چقدر این ارزش‌ها استحکام و عمق و گسترش بیشتری پیدا کند، زمینه و ضمانت برای تحقق پیشرفت افزایش می‌یابد.

تربیت همه‌جانبه:

البته هنگامی که سخن از تربیت به میان می‌آید، منظور تربیت همه‌جانبه است. تربیت همه‌جانبه و اثرگذار، نخست از تربیت فکری آغاز می‌شود^۲ و تربیت معنوی، تربیت علمی و تربیت اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد. پرورش تعقل انسان‌ها سرآغاز تربیت دینی جامعه است. تلقی‌های ناقص و نارسا از «تربیت

۱- در پیش‌نویس «نقشه مهندسی فرهنگی کشور»، ارزش‌های بنیادین فرهنگی در قالب پنج عنصر به شرح ذیل تبیین شده است: ۱. تعقل: عقل، حجت درونی و بستر جریان حجت بیرونی (دین) است که به کارگیری آن موجب شکوفایی در جهت شکوفایی حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی است. ۲. ایمان: باور مبتنی بر محبت و معرفت نسبت به خدا، صفات و عدل الهی، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و رسل او و امامان و زندگی اخروی است که در قلب، زبان و عمل تجلی می‌یابند. ۳. اخلاق: ملکات پسندیده‌ای که از طریق تزکیه و خودسازی و با انگیزه الهی در رفتار انسان تجلی می‌یابند و تعالی‌بخش اندیشه و عمل اسلامی در جامعه دینی است. ۴. علم: معرفت، بصیرت و آگاهی نسبت به حقایق و واقعیات عالم هستی است که با استفاده از وحی، عقل و تجربه بدست می‌آید. ۵. عمل: فعالیت‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با انگیزه الهی تحقق می‌یابد و به مجاهدت مؤمنانه ارتقاء پیدا می‌کند. همین ارزش‌های بنیادین در سند برنامه درسی ملی به عنوان الگوی اهداف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی ذکر شده است. ر.ک: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور (پیش‌نویس)، ۱۳۹۰ و نیز: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، سند برنامه درسی ملی (نگاشت چهارم) ۱۳۹۰.

۲- ر.ک: شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام؛ و نیز: مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۰/۹.

دینی» به محدود کردن دین در حاشیه زندگی و در حد مناسک فردی می‌انجامد و «دین» را از «زندگی» جدا کرده، به انزوا می‌کشاند. همین تلقی‌ها است که زمینه دیدگاه‌های سکولاریستی را فراهم می‌سازد. تربیت دینی یعنی تربیت همه‌جانبه که تکوین و تعالی مؤلفه‌های هویت حقیقی انسان را در پرتو ایمان عمیق به مبدأ و معاد و باور به جاودانگی حیات انسان رقم می‌زند و تعریفی متفاوت از تعاریف اومانیستی از مقوله‌های اقتصاد، سیاست، حقوق، اخلاق، امنیت، مدیریت، آزادی، .. ارائه می‌دهد. موتور اصلی پیشرفت جامعه، جز تربیت همه‌جانبه مبتنی بر عقلانیت فطری و ایمان دینی و عمیق نمی‌تواند باشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، الگویی است تربیت‌محور که «پیشرفت» را از مسیر رشد تربیتی جامعه و دستیابی اقشار و آحاد جامعه به بلوغ عقلانی و ارتقای انگیزه‌های معنوی دنبال می‌کند. در این مسیر، اخلاق سعادت‌محور و متعالی و ارزش‌های بنیادین پیش گفته، هسته اصلی مؤلفه‌های پیشرفت تلقی می‌شود و عرصه زندگی اجتماعی و فردی تحت تأثیر و هدایت این ارزش‌ها، جهت می‌یابد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت علاوه بر اینکه نقشه جامعه برای رسیدن به وضع مطلوب را ارائه می‌دهد، «چگونگی» و «فرایند» حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب را هم تعیین می‌کند. راهبرد اساسی حاکم بر این «فرایند» مسئله مهمی است که از هم اکنون می‌تواند مورد مذاقه قرار گرفته برخی جهت‌گیری‌ها و نگرش‌ها را به سوی زمینه‌سازی تحقق الگو پیش‌بینی و پیشنهاد کند. راهبردی که

دیدگاه اسلام برای چگونگی حرکت در مسیر پیشرفت ارائه می‌دهد، «تربیت محوری» است که در برابر «قانون‌محوری» قرار دارد. در این راهبرد موتور حرکت جامعه به سوی پیشرفت، ارتقا و بلوغ تربیتی و فرهنگی جامعه بر اساس ارزش‌های بنیادین تعقل و تفکر، ایمان، اخلاق، علم و عمل است که محور تحول و پیشرفت در عرصه‌های زندگی است. تربیت همه‌جانبه دینی به معنی جامع و فراگیر آن خاستگاه و گرانگه اصلی پیشرفت است و لذا بدون فوت فرصت‌ها، باید زمینه‌های تحقق این راهبرد را از طریق تکمیل و اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور، برنامه‌درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نیز اسناد تحولی نظام آموزش عالی و حوزه‌های علمیه فراهم ساخت. پیشرفت تربیت‌محور، اقتضائات و لوازمی دارد که در نقشه راه تولید الگو نیز باید رعایت گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۹۸
مطالعات الگوی پیشرفت
اسلامی و ایرانی

سال اول - شماره دوم - زمستان ۱۳۹۱

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. الویری، محسن، ۱۳۹۱، *چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه های علمیه در تدوین آن*، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۳. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*.
۴. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، *نقشه مهندسی فرهنگی کشور* (پیشنویس).
۵. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰، *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، پیام عدالت.
۶. فلاح‌زاده، سید حسین، ۱۳۹۱، *رضاخان و توسعه ایران*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *تعلیم و تربیت در اسلام*. الزهر.
۸. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۰، *برنامه‌درسی ملی* (نگاشت چهارم).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی